یادداشت

حقوق بشر و انسانیت

کوروش الماسی
محقق و پژوهشگر

انواع رسانه‌های تصویری، نوشتاری، صوتی و مجازی رسمی و غیر رسمی مملو از نقدهای دلسوزانه، مغرضانه، احساسی، علمی و... است، اما با وجود این همه نقادان دلسوز، سوداگر، احساساتی، مغرض و... روند شرایط اجتماعی در عرصه‌های گوناگون پیوسته وخیم‌تر از روز پیش می‌شود. یقیناً پرداختن به ریشه‌های زیست بسیار سخت و بعضا غیر انسانی شهروندان فرارتر از توان و مجال این موجز می‌باشد. در این موجز تلاش می‌شود تا تبیینی کلی و مختصر از مفهوم حقوق بشر به عنوان یکی از بنیادهای توسعه اجتماعی، ارائه شود. در جهان عقلانی معاصر، انسان نه یک پدیده طبیعی بلکه یک پدیده اجتماعی محصول تولد، رشد و بلوغ «خرد جمعی» تلقی می‌شود، بنابراین حقوق بشر تبلور و انعکاس فهم و تلقی فراطبیعی (اجتماعی) از انسان است. به عبارتی، حقوق بشر، انسان را فراتر از یک موجود عام در طبیعت تلقی می کند. حقوق بشر انعکاس سطح و نوع درک نخبگان یک جامعه از انسان به عنوان یک شهروند و نه یک موجود طبیعی است. حقوق بشر، انسان اجتماعی(شهروند) را صرف نظر از هر قیدی از جمله نوع باورها و اعتقادات(متافیزیکی)، میزان تحصیلات، ریشه خانوادگی، شغل، دارایی، منطقه جغرافیایی، ویژگی های ظاهری و... «حائز» (مشمول) برخی حقوق یکسان می‌داند. به عنوان مثال، برخورداری از غذا، مسکن، آموزش، بهداشت و درمان، برابری در پیشگاه قانون و... حقوق غیر قابل انکار و اجتناب‌ناپذیر برای همه شهروندان می‌باشد. انسان‌ها (شهروندان) «باید» با تلاش منطقی بتوانند در سازمان زیست اجتماعی انواع نیازهای اولیه خود را تهیه و تامین کنند. سازماندهی و مدیریت امور گوناگون اجتماعی به گونه‌ای که دسترسی به غذا، بهداشت و درمان، آموزش،برابر بودن در پیشگاه قانون، مسکن، آرامش، امنیت و... با تلاش عزتمند برای همه شهروندان مهیا باشد، ابتدایی‌ترین وظیفه هر ساختار مدیریت کلان(حکومت) می‌باشد. در جهان خردمند معاصر، مشروعیت هر مدیریت کلانی(حکومتی) مبتنی بر این است که تا چه میزان می‌تواند انواع نیازهای اولیه شهروندان تحت حمایت خود را تهیه و تامین کند. به عبارتی حقوق بشر تولید اذهان نخبگانی (به ویژه سیاسی) است که انسان(شهروندان) را هدف غایی و نه ابزاری برای انواع توهمان، آرمان‌های رومانتیک و منویات سوداگرانه تلقی می کنند. اینکه نخبگان یک جامعه انسان(شهروند) را به عنوان هدف یا ابزار تلقی کنند، مبنای ساختار مدیریت سیاسی یک کشور خواهد بود. حقوق بشر تولید اذهان توسعه یافته، بالغ و آگاه به چیستی، کارکرد و سازوکارهای دخیل در سازمان زیست اجتماعی است. حقوق بشر محصول خرد جمعی و نه انواع آرمان‌ها، اعتقادات، احساسات و... متافیزیکی، تاریخی و سوداگرانه می‌باشد. اگر بپذیریم که حقوق بشر تولید خرد جمعی به ویژه اذهان نخبگان سیاسی، علمی و... یک جامعه می‌باشد، آنگاه می‌تواند کشورها را به دو دسته تقسیم کرد: -۱کشورهایی با رفاه، آرامش و امنیت نسبی که «خرد جمعی» در آنها متولد، رشد و بالغ شده و -۲کشورهای پرچالش که «خرد جمعی» هنوز، به دلایل گوناگون، در آنها متولد نشده است.بنابر شواهد بی‌شمار از عرصه‌های گوناگون اجتماعی، بخش قابل توجهی از کارگزاران، صاحب منصبان، سیاست ورزان، «نخبگان» و... درک و باوری به حقوق بشر برآمده از خرد جمعی، ندارند. پر بیراه نیست اگر گفته شود که حقوق بشر متافیزیکی و حقوق بشر رویایی و رومانتیک (وارداتی) نزد معدود افراد در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، تنها محصول ابهامات ذهنی، عدم صداقت و آشفتگی اراده‌ها و اهداف برخی کاربران مفهوم حقوق بشر می‌باشد، بنابراین با توجه به نزدیک بودن انتخابات، آزمون «فهم حقوق بشر» باید یکی از اساسی‌ترین مولفه‌های فرایند تایید یا رد صلاحیت کاندیداها در همه مناصب و سطوح اداری، سیاسی و مدیریتی، توسط شورای نگهبان باشد. به این دلیل ساده و بدیهی که «صاحب منصبی که دانش و اعتقادی به حقوق بشر مبتنی بر خرد جمعی که انسان را هدف و نه ابزار تلقی می کند، ندارد، چگونه می‌تواند برای رفاه، آرامش و امنیت شهروندان تلاش کند؟» اگر چه نیازمند تبیین مفصل تری می‌باشد، اما ناکارآمدی مدیریت کلان که منشا سختی‌های بی‌حد و اندازه برای شهروندان شده، ناشی از فقدان درک و اعتقاد مشترک از حقوق بشر به عنوان محصول خرد جمعی میان نخبگان و به ویژه برخی کارگزاران، صاحب منصبان و سیاست‌ورزان می‌باشد.

روی خط

عواقب مشارکت پایین مردم در انتخابات

یک فعال سیاسی اصولگرا درباره احتمال مشارکت پایین در انتخابات پیش‌رو و پیامدهای آن برای فرد منتخب اظهار داشت: همیشه در کشور یکی از پارامترهای قدرت و امنیت ملی را بالا بودن میزان مشارکت مردم در انتخابات می‌دانستیم اما در دو سال اخیر مقداری از این مولفه عقب‌نشینی کرده‌ایم، یا دست کم در جریان اصولگرا هیچ علاقه و امیدی به اینکه این مشارکت گسترده شود وجود ندارد. محمد مهاجری درباره عواقب مشارکت پایین مردم در انتخابات گفت: پیش از اینکه نگران پیامد سیاسی مشارکت پایین مردم باشیم، باید نگران پیامد اجتماعی آن باشیم. فکر می کنم معنای این اتفاقی که در حال رخ دادن است، یأس و سرخوردگی اجتماعی، در محاق ابهام بودن آینده کشور، ناامیدی مردم به بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به طور کلی وضعیت نگران کننده است. این روزنامه‌نگار اصولگرا در پاسخ به این سوال که با توجه به اینکه اغلب افرادی که تا امروز اعلام کاندیداتوری کرده‌اند، منتسب به جریان اصولگرایی هستند، آیا فکر می کنید این جریان به کاندیدای واحدی برسد، گفت: اگر اصلاح‌طلب‌ها کمی جدی‌تر به انتخابات ورود پیدا کنند، اینکه نیمچه وحدتی در اصولگرایان اتفاق بیفتد چیز بعیدی نیست، اما اگر اصلاح‌طلبان با این اسامی که مطرح است در انتخابات شرکت کنند، اصولگراها هم دست کم با چهار یا پنج کاندیدا در انتخابات شرکت خواهند کرد. وی درباره حضور احتمالی ابراهیم رئیسی و یا علی لاریجانی به عنوان کاندیداهای مطرح جریان اصول‌گرایی، بیان کرد: من در مورد آقای لاریجانی یا آقای رئیسی اخبار و اطلاعاتی ندارم اما برداشت من این است که آقای لاریجانی در انتخابات شرکت نخواهند کرد و آقای رئیسی نیز مشغول رصد اوضاع هستند. این تحلیلگر مسائل سیاسی با بیان اینکه اصلاح‌طلبان خیلی دوست دارند که آقای رئیسی در انتخابات شرکت کند، چرا که یک فضای دو قطبی جدی در کشور راه می‌افتد، تاکید کرد: اصلاح‌طلب‌ها فقط در یک فضای دوقطبی شدید می‌توانند کنشگری داشته باشند، به همین دلیل دوست دارند آقای رئیسی بیاید. وی بیان کرد: به نظرم آقای پزشکیان می‌تواند در انتخابات ۱۴۰۰ یک پدیده باشد.

رامین مهمانپرست در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

احمدی نژاد سال ۹۲ مخالف مذاکره بود

برجام دستاورد سیاسی و دیپلماسی عمومی است

هولوکاست موضوعی نبود که برای آن هزینه‌ای بدهیم

آرمان ملی- محمدهادی علیمردانی: هنوز هم بسیاری از چهره‌های سیاسی درباره برجام اظهارات ضدونقیضی را مطرح می کنند و مشخص نیست باید برجام را به عنوان مسیری مطلوب برای رفع مشکلات تحریمی ایران به شمار آورد یا نیاز به راهی جدید داریم. قطعنامه‌های بسیاری در سال‌های پیش از برجام علیه ایران صادر شد اما این روند، پس از برجام وجود نداشت. از همین رو باید با دید منصفانه‌ای به دستاوردهای دیپلماتیک برجام نگاه کرد. برجام می‌توانست از دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد آغاز شود، اما این اتفاق رخ نداد، زیرا او با مذاکره موافق نبود. برای بررسی بیشتر این موضوع «آرمان ملی» گفت‌وگویی با رامین مهمانپرست سخنگوی وزارت امور خارجه دولت دهم انجام داده است که در ادامه می‌خوانید.

در حال حاضر مذاکرات وین را در پیش‌رو داریم و تیم مذاکره‌کننده مشغول است. آقای عراقچی اعلام کرده است ما با آمریکا وارد گفت‌وگو نمی‌شویم ولی آمریکا باید تحریم‌ها را لغو کند، این نظر که تحریم‌ها بدون گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا لغو خواهند شد مسیر درستی برای ادامه مذاکرات است یا خیر؟

قرار نیست گفت‌وگویی انجام شود. ما نمی‌خواهیم موضوع جدیدی را وارد بحث کنیم که نیاز به گفت‌وگو داشته باشد. بحث این است که موافقت‌نامه‌ای بین چند کشور امضا شده است. زمانی که جمهوری اسلامی برای راستی‌آزمایی در مدت محدودی تعهداتی را می‌پذیرد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نظارت می کند تا فعالیت‌های ایران را در جهت راستی‌آزمایی بسنجد، در مقابل آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها، روسیه و چین که طرفین پنج به علاوه یک بودند متعهد شدند به توافقات عمل و تحریم‌هایی را که علیه ایران بود، لغو کنند. آقای ترامپ زمانی که به ریاست جمهوری آمریکا رسید نه تنها از برجام خارج شد بلکه یکسری تحریم‌ها را علیه ایران به تصویب رساند. حال بایدن آمده و اعلام کرده می‌خواهد به برجام بازگردد و ایران می گوید اگر خواهان بازگشت به برجام هستید ابتدا باید تحریم‌ها را لغو کنید. تیم مذاکره‌کننده کشورمان باید سنجیده حرکت کند، چراکه حتی در زمان اوباما نیز وقتی برجام به امضا رسیده بود عملا تحریم‌های اقتصادی لغو نشدند. نه نفت ما به شکل طبیعی به فروش می‌رفت، نه پول نفتمان را به راحتی دریافت می کردیم و نه حتی بین ما و کشورهای غربی تراکنشی مالی وجود داشت.

ولی آمارهای اقتصادی نشان می‌دهد که ما در آن زمان وضعیتی بهتر از امروز داشتیم و شاخص‌های تورمی تا حدی کنترل شده بودند، آیا این تغییرات ناشی از برجام نبود؟

اگر بخواهیم واقع‌گرایانه به برجام نگاه کنیم برای ما دستاورد سیاسی و دیپلماسی عمومی به همراه داشت و نشان داد ما واقعا اهل همکاری هستیم و می‌خواهیم بحران‌ها را از راه دیپلماتیک حل کنیم و به دنبال فعالیت‌های غیرصلح‌آمیز نیستیم. همچنین ایران نشان داد حاضر است به تعهدات خود عمل کند و این‌ها دستاوردهایی بود که ما به لحاظ سیاسی و در افکار عمومی کسب کردیم ولی برجام هیچ دستاورد اقتصادی برای ما نداشت.

پس با خسارت‌بار بودن برجام مخالف هستید؟

برجام قطعا دستاوردهای مثبتی برای ما به همراه داشت. ما در شرایطی برجام را پذیرفتیم که به ما اتهام وارد می کردند که فعالیت‌هایمان غیرصلح‌آمیز است و با ادعای وجود اسناد و مدارکی در این باره قصد محکوم کردن ایران در افکار عمومی را داشتند تا بگویند ما به دنبال سلاح‌های کشتار جمعی هستیم. فضای سنگین سیاسی و اتهاماتی که وارد می کردند موجب فشارهای بیشتر و قطعنامه‌هایی شد. اگر مسئولان نظام به این نتیجه رسیدند که باید مذاکراتی صورت بگیرد و برجام امضا شود قطعا دستاوردهایی وجود داشته ولی اشکال کار در جایی دیگر است. دولت و تیم مذاکره‌کننده این تصور را داشتند که بعد از امضای برجام اساسا همه تحریم‌ها لغو، محدودیت‌های اقتصادی در ارتباط با ایران برداشته می‌شود و ما دیگر مشکل فروش نفت و برگشت درآمدهای ارزی به کشور را نخواهیم داشت. فکر می کردند نه تنها سرمایه‌گذاری و فایننس پروژه‌ها بدون مشکل انجام خواهد شد بلکه همه مشکلات ما نیز حل می‌شود و این همان تصوری است که دچار اشکال بود؛ تصوری که دولت ما و تیم مذاکره‌کننده ایران داشت تصوری ایده‌آل بود. قرار بود اتفاقات خوب بیفتد ولی نیفتاد.

سیاست‌های کلی ایران در خصوص سیاست خارجی در شورای امنیت ملی تصویب می‌شود و مقام معظم رهبری آن را تایید می‌کنند و سپس برای اجرا به دولت ابلاغ می‌شود. آیا باید ریشه مشکل را در دولت ببینیم یا در مراحل پیشین به دنبال مشکل بگردیم؟

شما تصمیم خوب با چارچوب خوب را می‌توانید خوب یا بد اجرا کنید. می‌توان با دقت به دنبال همه ابعاد بود و یا می‌توان خوش‌بینانه جلو رفت. من نمی گویم تیم مذاکره‌کننده ایران وقتی برجام را امضا می کرد فکر کرد همه پیش‌بینی‌ها را انجام داده است و به نظر من پیش‌بینی‌های تیم مذاکره‌کننده اشتباه بود. مسئولان ارشد نظام چارچوب‌ها را تعیین می کنند اما وارد جزئیات نمی‌شوند.

در کل با مذاکره با آمریکا موافق هستید؟

در مورد چه موضوعی؟

مساله هسته‌ای ایران.

الان؟!

در شرایط کنونی؟

در شرایط کنونی ما مذاکره‌ای نداریم، آنها باید تحریم‌ها را لغو کنند. چه آن‌هایی که قبل از آمدن ترامپ انجام نشد و چه باقی تحریم‌ها باید لغو شوند و ما محدودیتی در روابط تجاری و اقتصادی با سایر کشورها نداشته باشیم. اگر آمریکا به آن نقطه بازگردد ما هم اعلام کرده‌ایم که به تعهدات خود بازمی گردیم. پس ما مذاکره جدیدی نداریم. کارگروهی درست شده و آنجا می گویند بعضی از این تحریم‌ها را بلافاصله می‌توانیم لغو کنیم و بعضی‌ها احتیاج دارد مسیر کنگره را طی کند و زمان‌بندی دارد. در این کارگروه معلوم می‌شود که آن‌ها کی به نقطه‌ای می‌رسند که همه تحریم‌ها را بردارند و این به مفهوم مذاکره جدید نیست این یعنی کسانی که از تعهدات خود تخلف کرده و عقب‌نشینی داشتند به تعهدات خود برگردند.

شرایطی که ایران بعد از سال ۹۲ وارد مذاکرات شد قبل از آن هم حاکم بود، عمان حاضر شده بود در دوره آقای احمدی‌نژاد میانجی‌گری کند که گفته می‌شود آقای احمدی‌نژاد این موضوع را نپذیرفته‌اند آیا آن تصمیم صحیح بود؟ آقای علی‌اکبر صالحی این ادعا را مطرح کردند.

این مساله دقیق نیست به این معنا که اینطور نیست که مذاکره‌ای صورت نگرفته باشد ولی باید اشاره کرد که آقای احمدی‌نژاد با مذاکره موافقت نداشتند. آقای احمدی‌نژاد یا بقیه مسئولانی که در مذاکرات هسته‌ای نقش داشتند در بعضی جاها با یکدیگر اختلاف دیدگاه داشتند و نظراتشان متفاوت با هم بود و این نظرات متفاوت به ضرر کشور تمام می‌شود. تیمی مذاکره می کند و تیم مقابل فکر می کند اگر به دستاوردی برسند نتیجه برای تیم رقیب ثبت می‌شود و یا بر عکس. ما زمانی می‌توانیم در منافع ملی دست برتر داشته باشیم که همه در تصمیمات گرفته شده هماهنگ باشیم و درنهایت این یک صدا باشد که منعکس می‌شود. متاسفانه در برخی از مقاطع زمانی یک‌صدایی و هماهنگی وجود نداشت.

این تعبیر در اختلافاتی که بین قوا و دستگاه‌ها رخ می‌دهد به کار برده می‌شود. ما در عرف سیاسی ایران هر صحبتی که مقام معظم رهبری می کنند را لازم‌الاجرا می‌دانیم بنابراین باید اشتباه را اینجا بر گردن دولت آقای احمدی‌نژاد بیندازیم؟

اشتباه را باید بر گردن نبود هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف بیندازیم. سطح مقام معظم رهبری سطح برتر است. یک سیاستی درخواست می‌شود، انجام عملی سیاسی پیشنهاد می‌شود و ممکن است با ملاحظات و شروطی توسط رهبری تایید شود مشروط بر اینکه یکسری مقدمات و موخرات داشته باشد. کسانی که باید این دستور را اجرا کنند اگر هماهنگ باشند و ابعاد مختلف کار را بررسی کنند می‌توانند دستاورد خوبی داشته باشند. معمولا این ناهماهنگی‌ها وجود دارد و بعضی افراد نظرات خود را در نوع اجرا دخالت می‌دهند و ما در اینجا مشکل پیدا می‌کنیم. بنابراین مقصر همه کسانی هستند که ناهماهنگی ایجاد می کنند.

مساله دیگری که در سیاست خارجی آقای احمدی‌نژاد دیده شد و فکر می کنم شما از آن حمایت کنید، طرح بحث هولوکاست در زمستان سال ۸۴ بود گفته شد که این موضوع در سطح دیپلماتیک به ضرر ایران تمام شد، آقای احمدی‌نژاد اعلام کردند که هولوکاست دروغ و افسانه است، نظر شما در این رابطه چیست؟

شما از قبل در مورد من قضاوت کردید و گفتید حمایت می کنید! از کجا به چنین نتیجه‌ای رسیده‌اید؟ من سخنگوی وزارت امور خارجه بودم، سخنگوی آقای احمدی‌نژاد نبودم. سیاست خارجی را مقام معظم رهبری تعیین می کنند نه رئیس جمهور.

بله همینطور است ولی سیاست‌هایی که اجرایی می‌شود. براساس روند مد نظر دولت‌ها انجام می‌شود.

بحث هولوکاست سیاستی نبود که توسط مقام معظم رهبری مطرح شود.

آیا شما نسبت ایدئولوژیکی با آقای احمدی‌نژاد دارید؟

من نسبت ایدئولوژیکی با آقای احمدی‌نژاد ندارم.

چون بحث‌هایی در مورد آمدن یاران آقای احمدی‌نژاد و حضورشان در عرصه انتخاباتی مطرح شد اینها قضاوت‌هایی بود که در رسانه‌ها انجام شد.

هر رسانه‌ای که گفته است خودش جواب بدهد.

نسبت خودتان با دولت آقای احمدی‌نژاد را شفاف نکردید.

ما در وزارت امور خارجه کاری به جریانات سیاسی نداریم وظیفه ما وظیفه‌ای ملی است و در صحنه خارج از کشور معنی ندارد که شما بخواهید با گرایشات سیاسی داخلی خود رفتار کنید. هر کسی این کار را انجام بدهد اشتباه می کند و منافع ملی را به خطر می‌اندازد. من ۳۵ سال در وزارت امور خارجه سابقه مدیریت دارم. دولت‌های مختلفی بر سر کار آمدند و من در همه دولت‌ها مسئولیت داشتم. باید نتیجه‌گیری کرد که من نسبت به همه آن‌ها گرایشی ویژه دارم؟ یکی از این دولت‌ها دولت آقای احمدی‌نژاد بود. من در زمان آقای رفسنجانی حکم سفارت در تایلند، در زمان آقای خاتمی حکم سفارت در قزاقستان و در زمان آقای روحانی حکم سفارت در لهستان را گرفتم. در زمان آقای احمدی‌نژاد هم سخنگوی وزارت امور خارجه بودم. اگر قرار باشد با هر دولتی که کار کرده باشیم وابستگی ایدئولوژیک داشته و یا مواضع سیاسی آن دولت را قبول داشته باشیم چطور تحلیل می‌شود؟! امکان پذیر است که من با همه این روسای جمهور چنین رابطه ایدئولوژیکی داشته باشم.

نسبت عقیدتی شما با ادعایی که آقای احمدی‌نژاد در مورد هولوکاست در سال ۸۴ طرح کردند چیست؟

به نظر من اصلا موضوعی نبود که ما بخاطر آن هزینه بدهیم.

گفته می‌شود در آن زمان به دلیل این اظهارنظر به مذاکره کنندگان ایرانی فشار آمد.

زمانی موضوعی آنقدر مهم است که به دلیل اهمیت آن و به علت منافع کشور باید بایستید و هزینه بدهید. زمانی مساله موضوعیتی ندارد و شما بیهوده هزینه‌ای را می‌دهید. من عقیده دارم ما بی‌خود بر سر این قضیه هزینه دادیم. کشتار مردم در زمان جنگ جهانی دوم در اردوگاه آشویتس واقعیت دارد. من رفته و بازدید کرده و کوره‌های آدم‌سوزی را دیده‌ام. زمانی شما می گویید همه کسانی که آنجا زندانی شده‌اند یهودی بودند و در حق یهودیان ظلم بزرگی شده و اسرائیل حق دارد امروز سرزمین فلسطین را اشغال کند اما من می گویم این ادعا دروغ است. همه کشته‌شدگان یهودی نبودند. رژیم صهیونیستی به دلیل بهره‌برداری سیاسی در این مورد غلو می کند. اگر بحث بررسی یک واقعیت تاریخی مطرح باشد هر کسی که می‌خواهد می‌تواند این واقعیت را بررسی کند. برای دنیای غرب با این همه ادعای آزادی بیان زشت است که ما حتی حق بررسی آن را نداشته باشیم چراکه هر کسی بخواهد ادعایی خلاف این واقعه داشته باشد به زندان می‌رود. من می گویم کسی نباید با یک پژوهش تاریخی مقابله کند و یا آن را رد و یا محکوم کند. این مساله با چارچوب‌های غرب و ادعای آزادی بیان سازگاری ندارد، اما اینکه ما بگوییم دروغ است و چه و چه، این چه دستاوردی برای ما دارد؟! جز خسارت دستاورد دیگری برای ما نداشت و من با اصل این موضوع موافق نبودم.

ارزیابی شما از عملکرد سیاست خارجی دولت روحانی جدا از برجام چیست؟ در دوره‌های دیگر شاهد صدور قطعنامه‌هایی علیه ایران بودیم که در دولت روحانی قطع و محدود شد. آیا می‌توان گفت سیاست‌های خارجی اجرا شده در این دو دوره به نفع کشور بوده است؟

ما زمانی اقداماتی خوب انجام می‌دهیم که می‌تواند محدودیت‌ها و مشکلات را کم کند. باید این اقدامات خوب را تعریف کنیم. یک زمانی اقدامات خوب دیگری را می‌توانستیم انجام بدهیم که انجام ندادیم و این یک ضعف تلقی می‌شود، چراکه ما در سیاست خارجی باید چند کار انجام بدهیم. یکی از آن کارها در عرصه بین‌الملل و حضور در مجامع بین‌المللی و توافق‌نامه‌هایی است که می‌تواند مشکلات ما و محدودیت‌ها را کمتر کند. نقاط ضعف ما در سیاست خارجی این بود که بیش از حد بر بحث برجام و حضور بین‌المللی متمرکز شدیم و وزن این کار آنقدر زیاد شد که نتوانستیم هم‌وزن آن در روابط دوجانبه کار کنیم و یا در همکاری‌های منطقه‌ای و چند جانبه ورود و کار کنیم چراکه وزارت خارجه باید همه ابعاد را دنبال کند. این یک ضعف بود و ضعف بعدی مربوط به هشت سال گذشته نیست و به وزارت امور خارجه مربوط است که از قبل نیز وجود داشت و در این هشت سال هم دیده شد. ما باید در کشور در تعریف خود از مسائل سیاسی تجدیدنظری داشته باشیم. در حال حاضر روابط سیاسی بدون داشتن روابط اقتصادی با طرف مقابل پایداری و ثبات ندارد. شما باید اساس روابط سیاسی خود را با کشورهای مختلف بر مبنای منافعی بگذارید که هم شما به دست می‌آورید و هم کشور مقابل از طریق این رابطه به دست می‌آورد. اگر این منافع به روابط سیاسی گره بخورد ما رابطه‌ای مستحکم و پایدار پیدا می کنیم. اگر زمانی کسی بخواهد فشار سیاسی وارد و یا تحریم کند و محدودیت جدیدی به وجود آورد همان کشورها به دلیل منافع خود چانه می‌زنند چون در رابطه با ایران منافعی دارند و ما در این قسمت‌ها به خوبی عمل نکرده‌ایم و روابط سیاسی ما الزاما با روابط اقتصادی گره نخورده است. خیلی از کشورها هستند که رابطه خوبی با آنها داریم ولی در حجم روابط سیاسی رقم‌های ناچیزی گفته می‌شود. ما در سطح تعارفات سیاسی با هم هم‌نظر بودیم اما اگر اتفاقی در گوشه دنیا بیفتد ممکن است بسیاری از این کشورها به طور کل جهت‌گیری خود را با ما عوض کنند چون منافعی ندارند. ما باید برای رابطه با کشورها یک استراتژی مشخص داشته باشیم که در آن روابط بلندمدت و میان مدت و کوتاه مدت دیده شود. وقتی که افراد در وزارت امور خارجه در ادامه ماموریت‌های همکاران خود و یا وزرای قبلی می‌آیند باید در استراتژی بلندمدت این ماموریت مشخص شود که ما قرار بود از کدام نقطه به کدام نقطه برسیم و چقدر از آن را طی کرده و چقدر را باید بقیه طی کنند. استراتژی‌ها نباید با رفت و آمد دولت‌ها تاثیر جدی در جهت گیری‌ها داشته باشد. باید با همه کشورها این روال را داشته باشیم ولی نزدیک به ۳۰ کشور مهم که اهمیت و قدرت و نفوذ بیشتری دارند باید در اولویت باشند، اما متاسفانه در وزارت خارجه این نگاه وجود ندارد و به همین دلیل وقتی روابط ۲۵ ساله ایران و چین مطرح می‌شود مساله چیز عجیبی به نظر می‌رسد و عده‌ای آن را صددرصد عالی می‌دانند و عده‌ای آن را صددر صد خیانت و کشور فروشی عنوان می کنند. درصورتی که اینها چارچوب‌های کلی راهبردی است که ما می‌خواهیم به آن برسیم. وزارت خارجه ضعف‌هایی دارد و در دولت روحانی هم این ضعف‌ها وجود داشت و در برخی بخش‌ها بیشتر شد چون تمرکز بیشتری روی برجام داشتند و از قسمت‌های مختلف غافل شدند.

گزارش

«آرمان ملی» از ساکت کردن صدای منتخب مردم گزارش می‌دهد

سلب امکان سخن گفتن با مردم از رئیس جمهور

قانون در رسانه ملی اجرا می‌شود؟

حسین شریعتمداری: نباید اذهان مردم را با انتشار اظهارات روحانی، از واقعیات دور کرد

آرمان ملی- محمدهادی علیمردانی: چندی پیش بنا بود، سخنرانی‌های رئیس‌جمهوری در نشست‌های رمضان به صورت زنده از رسانه ملی پخش شود اما این برنامه از کنداکتور شبکه خبر خارج شد. دلیل این رویداد چندان شفاف نشد؛ اما با توجه به توهین‌های فراوان صداوسیما به دولت از پخش «گاندو» تا «پایان بازی» در این رسانه، می‌توان رنگ و بوی برخورد جناحی را برداشت کرد. ممانعت از پخش سخنان رئیس‌جمهور به معنای جلوگیری از سخن گفتن منتخب ملت با ملت است و نمی‌توان آن را به مصلحت کشور دانست. در این زمان حسین شریعتمداری با انتشار متنی در روزنامه کیهان، افتراهای تازه‌ای را به دولت نسبت داد.

رئیس‌جمهور از رسانه ملی حذف شد

شاید در متن بسیاری از تحلیل‌ها و حتی اقدامات، این اصل به دست فراموشی سپرده شده باشد که رئیس‌جمهور ایران، فردی است که از سوی ملت انتخاب شده و هرگونه برخورد با او، برخورد با آرای مردم است. در صورتی که به رئیس‌جمهور توهین شود، در مسیر تصمیمات او مشکلاتی ایجاد شود یا صدای او در جامعه منعکس نشود، این اقدامات علیه ملت انجام گرفته است. حسن روحانی گذشته از هر برخورد یا عملکردی با پشتوانه ۲۳ میلیون رای مردمی بر صندلی پاستور تکیه زده است. با این حال عده‌ای با اعمال خود در تلاش برای ممانعت از رسیدن سخنان رئیس‌جمهور به مردم هستند. چند روز پیش، علیرضا معزی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر ریاست‌جمهوری، در حساب کاربری خود در توییتر نوشت: «به‌رغم هماهنگی‌های لازم و موافقت رئیس محترم سازمان صداوسیما برای پخش زنده سخنرانی‌های رئیس‌جمهوری در نشست‌های رمضان، سخنرانی روحانی در نشست با فعالان سیاسی صرفاً به دلیل مخالفت رئیس شبکه خبر از آنتن زنده این شبکه حذف شد.» با این حال دلیل این تصمیم سوال‌برانگیز همچنان نامشخص باقی مانده است.

بازگشت به قانون

مساله اینجاست که در حال حاضر، کشور شاهد شکل گرفتن رویه‌ای به نام «توهین به دولت» در رسانه ملی است و هرازگاهی به شخص رئیس‌جمهور، وزرای دولت و حتی وزارت امور خارجه توهین می‌شود اما اجازه پاسخگویی به دولتی‌ها داده نمی‌شود. رویکرد یک‌سویه کنونی هیچ نتیجه‌ای جز تضعیف دولت نخواهد بود و بعید به نظر می‌رسد تضعیف دولت به سود کشور و ملت باشد. رئیس‌جمهور باید با مردمی که او را برای ریاست دستگاه اجرایی انتخاب کرده‌اند، به گفت‌وگو بنشیند. مردم نیز حق دارند پاسخ سوالات خود را از منتخب خود دریافت کنند. در سال ۱۳۸۸ قانون الحاق یک ماده و دو تبصره به قانون اساسنامه سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران تصویب شد. در این قانون نوشته شد: «چنانچه در برنامه‌های پخش شده سازمان (اعم از خبری، گزارشی، تولیدی در قالب‌های مختلف بیانی- تصویری و نمایشی) از شبکه‌های محلی، سراسری و بین‌المللی یا در اطلاعیه‌های صادره از سوی آن سازمان مطالبی مشتمل بر توهین، افترا یا خلاف واقع نسبت به هر شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) باشد یا به هر نحوی اظهارات اشخاص تحریف شود، مراحل ذیل برای احقاق حق طی خواهد شد. مدعی می‌تواند اعتراض خود را کتبا به سازمان صداوسیما منعکس کند. سازمان صداوسیما در صورت قبول اعتراض، ظرف بیست و چهار ساعت پاسخ وی را به صورت عادلانه، حداقل دو برابر زمان اصل مطلب که از پنج دقیقه کمتر نباشد در همان برنامه و ساعت و در همان شبکه به طور رایگان پخش نماید.» با این حال اگرچه در صداوسیما اتهاماتی به برخی چهره‌ها زده یا توهین‌هایی انجام شد اما در بسیاری موارد پاسخ‌ها در این رسانه منعکس نشد.

اظهارات ضدونقیض

با این حال عده‌ای از تندروها پا را فراتر گذاشته و پخش سخنان رئیس‌جمهور از رسانه ملی را منع می‌کنند. روز گذشته حسین شریعتمداری نماینده ولی‌فقیه در موسسه کیهان، نوشت: «اگرچه آقای روحانی، طی نزدیک به ۸ سال گذشته اظهارات ضدونقیض قابل‌ملاحظه‌ای داشته‌اند ولی این روزها و در حالی که به نقطه پایان دوران ریاست‌جمهوری خود نزدیک می‌شوند، برخی از اظهارات‌شان به‌گونه‌ای تعجب‌آور با آنچه از یک رئیس‌جمهور انتظار می‌رود، فاصله دارد. ایشان به ناهنجاری‌هایی حمله می کنند که خود عامل و بانی آن بوده‌اند و از دستاوردهایی سخن می‌گویند که وجود خارجی ندارند! و به پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایی در دولت خود اشاره می کنند که با آمار و ارقام رسمی تفاوت آشکار دارند! متأسفانه اظهارات ایشان یک‌سویه مطرح می‌شود و از طریق رسانه ملی نیز بدون هیچ‌گونه نقد و پرسشی بازتاب داده می‌شود! به بیان دیگر رسانه ملی که رسالت آن بازتاب واقعیات و بصیرت‌بخشی است و در این جهت نیز موفقیت‌های چشمگیری داشته است، نباید اذهان مردم را با انتشار بدون‌روشنگری اظهارات جناب روحانی، از واقعیات دور کند!» برای مشخص شدن معنای «اظهارات ضدونقیض» می‌توان به برخی مواضع روزنامه کیهان و سردبیر آن درباره محمود احمدی‌نژاد نیز رجوع کرد.